



۱۸

پیشگفتارهای حمید عنایت بر کتاب "سیاست" ارسطو



xalvat.com



شرکت سهامی کتابهای جیبی
خیابان وصال شیرازی، شماره ۳۸
تهران - صندوق پستی ۱۴/۱۵۴۰
تلفن: ۴۴۹۹۰۰ - نشانی الکترونیکی: کتاب جیبی

با همکاری مؤسسه انتشارات فرانتگین

چاپ اول: انتشارات نیل ۱۳۳۷
چاپ دوم: شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۴۹
کد داد چاپ: دو جلد از نامه
چاپ و صحافی: چاپخانه آریست و پرنجر شهرپور (شرکت سهامی امت)
شماره ثبت در کتابخانه ملی: ۴۹/۴۳۱ تاریخ ۲۹۸



فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار چاپ دوم
نه	پیشگفتار چاپ نخست
بیست	ترتیب و خلاصه مطالب کتاب «سیاست»
۱	کتاب نخست
۴۰	کتاب دوم
۱۰۰	کتاب سوم
۱۵۵	کتاب چهارم
۲۰۲	کتاب پنجم
۲۵۹	کتاب ششم
۲۸۹	کتاب هفتم
۳۲۸	کتاب هشتم
۳۴۷	فهرست اعلام و موضوعات

xalvat.com



پیشگفتار چاپ دوم

چاپ دوم «سیاست» ارسطو با چاپ نخست آن از چند جهت یکسره فرق دارد. نخست آنکه در عبارات ترجمه، از آغاز تا پایان، با توجه خاصی به ترجمه‌های «ارنست بارکر» E. Barker و «ر. رکم» H. Rackham * تجدید نظر کلی کرده‌ام و در رفع نقائص آنها کوشیده‌ام. دوم آنکه ترتیب مطالب کتاب که در چاپ نخست مطابق روش «مارسل پره‌لو» Marcel Prélot بود در این چاپ به روش «بارکر» که شیوه معمول در بیشتر ترجمه‌های جاری از «سیاست» است بازگردانده شد. سوم آنکه حواشی و یادداشت‌هایی که خواننده را به فهم مطالب و یافتن موضوعات مورد نیاز خود یاری‌کنند، به‌علاوه فهرست موضوعی جامعی که با همکاری دوستان ارجمندم علی صلحجو و محمد کریم اشراقی فراهم آورده‌ام برترجمه افزوده‌ام.

فروردین ۱۳۳۹ - حمید عنایت

xalvat.com

* در زیرنویس صفحات حروف «ا.ب.» نشانه «ارنست بارکر» و «ر.» ، نشانه «ر. رکم» است.



xalvat.com

پیشگفتار چاپ نخست

زندگی ارسطو

رسم بر آنست که زندگی ارسطو را از نظر روش تفکر او سه سه دوره بخش کنند: نخست دوره شاگردی او در «آکادمی» و مکتب افلاطون، که بیست سال از عمر او را در بر می‌گیرد، و با مرگ افلاطون (در سال ۳۴۷ قبل از میلاد) پسر می‌رسد. دوم، دوره‌ای که محققان آلمانی آنرا «سالهای سرگردانی» Wanderjahre نامیده‌اند، که در طی آن ارسطو شهر «آسوس» Assus و جزیره «لسبوس» Lesbos و شهر «پلا» Pella را در می‌نوردد؛ پایان این دوره همزمان با آغاز شهریارگری اسکندر است. در دوره سوم، ارسطو به آتن باز می‌گردد و مکتب خود به نام «لوکته‌ئوم» Lyceum (در زبان فرانسه Lycée) را بنیاد می‌کند و سرانجام به «خالسیس» پناه می‌برد و تا پایان عمر در آنجا می‌ماند.

در هر یک از این سه دوره، ارسطو دارای شیوه فکر خاصی بوده‌است، و چون یکی از فرضیاتی که در توجیه تضاد مطالب کتاب «سیاست» پیشنهاد شده، احتمال نگارش هر بخش آن در یکی از دوره‌های زندگی اوست، تفصیل این سه دوره ضرور می‌نماید.

دوره اول از ۳۶۷ تا ۳۴۷ قبل از میلاد مسیح. ارسطو هنگامی که به «آکادمی» پانهاد، هفده سال داشت، و افلاطون شصت و یک سال. این تفاوت سنی ناگزیر زمینه استقلال فکری یا تجلی آن را برای ارسطو محدود می‌کرده است و از اینرو او در این دوره یکسره مرید استاد بود. آکادمی افلاطون، همچنانکه می‌دانیم، مکتب علمی بزرگی بود که گذشته از علوم نظری، در ریاضیات و نجوم نیز پژوهشهای دامنه‌داری می‌کرد. در دوره شاگردی ارسطو، آکادمی افلاطون از تأثیر افکار سقراط رهیده و به مسئله «مثل» و تقسیم



آنها رو آورده بود. باز باید به یاد داشت که افلاطون کتاب قوانین خود را در همین دوره، بر پایه روش کلی علوم عملی نگاشت و از اینرو در آن، برخلاف جمهوریت، کمتر از شعر و قافیه پردازی و بیشتر از اعتناء به واقعیات نشان می‌بینیم. تأثیر این دوره تحول و آکادمی، را بر کتاب سیاست، در بخشهای مربوط به حکومت کمال معلوب ارسطو آشکار می‌توان یافت. در این بخشها، به شیوه قوانین، افلاطون، بنیاد و واقعیت باهم آشنی یافته است و از اینرو برخی از محققان، نگارش آنها را مقدم بر قسمتهای دیگر سیاست دانسته‌اند. حتی گفته‌اند که ارسطو در فراهم آوردن مدارک کتاب «قوانین» افلاطون دست داشته و استاد را یاری فراوان کرده است.

مرگ افلاطون را باید بیگمان پایان نخستین دوره پرورش فکری ارسطو دانست، اما واقعه‌ای دیگر در همین زمان پیوند او را با گذشته یکسره گسست: در حدود سال ۳۴۷، «استاجیر» زاد گاه ارسطو به دست سپاهیان فیلیپ مقدونی با خاک یکسان گشت و فیلسوف ما، به معنای لفظی واژه، «بی‌وطن» شد. همزمانی این دو مصیبت ذهن ارسطو را برای دیگر کونی شگرفی آماده ساخت. اما، همچنانکه «ارنست بارکر» می‌گوید، تادیری بعد روح تعالیم «قوانین» همراه او بود و با آنکه در سالهای پندی از فلسفه افلاطون رو بر تافت، آزریم او را همیشه نیک نگه میداشت.

xalvat.com

دوره دوم از ۳۴۷ تا ۳۳۵ قبل از میلاد. پس از مرگ افلاطون، نوه او «اسپوزیپوس» Speusippus به ریاست آکادمی رسید. سست باوری به معنای علمی «اسپوزیپوس» به عاشوق به آشنائی با شیوه‌های اندیشه نو در شهرهای یونان، ارسطو را بر آن داشت تا همراه یکی دیگر از آموختگان مکتب افلاطون، «گز نوکرات» Xenocrates، آتن را ترک گوید. این دو همشاگرد نخست به شهر «آسوس» (از شهرهای «ترواد» Troad) فرود آمدند و این انتخاب از روی تصادف نبود: دوتن دیگر از پیروان افلاطون، «اراستوس» Erastus و «کرسیکوس» Corsicus، پیشتر از ایشان به این شهر آمده و با «هرمیاس» Hermias شهریار «اظرنه» Atarneus، در جنوب خاوری «آسوس»، پیوند دوستی استوار کرده بودند. «هرمیاس» بنده‌ای رها شده و خواجه‌ای سراف بود که با خرید کانه‌های کوهستان «ایدا» Ida، نزدیک «آسوس»، خواسته هنگفتی فراهم آورد و به توانگری نامور شده و سرانجام از شاهان ایران، لقب شاهزاده گرفت؛ پس دستگاه متمگری خود را بر سراسر «اظرنه» گسترده. اما چنان شیفته آموزشهای دو استاد افلاطونی خود گشت



که شهر «آسوس» را به ایشان بخشید تا در آن، عقاید خویش را به مردم بیاموزند. ارسطو و گزنوکرات به این گروه افلاطونی پیوستند و درسگاهی تازه برپا کردند که تا سه سال دوام داشت و رهبری آن با خود ارسطو بود. در این میان، هرمیاس، دختر خوانده خود «پیتیا» Pythias را به زنی به ارسطو داد. همسری با دختر بنده‌ای رها شده یکی از عللی بود که بعدها در آتن ارسطو را از حقوق مدنی محروم کرد. در پایان سه سال، ارسطو، گویا به تشویق همکارش در آسوس، «تئوفراست» Theophrastes، رهسپار جزیره لسبوس (در دریای اژه) شد و در آنجا دو سال (از ۳۴۴ تا ۳۴۲ ق.م.) به پژوهش در تاریخ طبیعی بویژه شناخت زندگی دریاگان پرداخت، اما از مطالعه و شاید آموزش سیاست غافل نماند. بخشهای نخستین کتاب «سیاست»، درباره بنیاد اجتماع و سازمان خانواده که در نظام و پیوستگی همانند نوشته‌های دانشمندی زیست‌شناس است، باید در همین دوره فراهم آمده باشد.

این زمان گسترش نیروی فیلیپ مقدونی و آغاز کشورگشاییهای او بود. هرمیاس که دیهیم خود را در خطر می‌دید با فیلیپ ازدراستی درآمد و پایگاهی در اطرافه برای هجوم به ایران به او بخشید. گویا این دوستی و شاید پافشاری هرمیاس، موجب شد که فیلیپ ارسطو را برای تدریس به فرزند خود اسکندر، به پلا، مقر دربار مقدونیان فراخواند. پیش از آنکه ارسطو خواهش فیلیپ را بپذیرد، در سال ۳۴۱، هرمیاس به دست سرداری ایرانی کشته شد. این واقعه کشته‌ای در دل فیلسوف از «غیر یونانیان» یا «بربریان» برانگیخت که شاید با نظریات او درباره طبیعی بودن سروری یونانیان بر پندگانی «بربر» مربوط باشد.

ارسطو پس از عزیمت به پلا ظاهراً شش یا هفت سال در دربار مقدونیان بود و گفته‌اند که در این مدت به اسکندر فلسفه می‌آموخت، اما هیچ سندی که گواه بر این نکته باشد در دست نداریم. در هیچ جای کتاب «سیاست» نامی از اسکندر به میان نیامده، و با توجه به این معنی که ارسطو در بسیاری از بخشهای کتاب به تفصیل از پادشاهان و سرداران بزرگ زمان خود با گذشته یاد می‌کند، این سکوت را نمی‌توان از مقوله تصادف دانست. بهاز دعوی دارند که ارسطو دو پیمان یا رساله سیاسی برای اسکندر، به نامهای «شهریاری» و «درباره مستعمرات» نوشته است؛ اما از هیچیک اینها اثری در دست نیست و ظاهراً داستان آنها آفریده ذهن افسانه‌پردازان تاریخ است. به گمان نویسنده، با نبودن چنین مدارکی، مشکل بتوان بخشهای مربوط به شاهان خودکام و ستایش برخی از ایشان را در سیاست، آنچنانکه گروهی می‌پندارند، حاصل استادی



دوازده

سیاست

ارسطو بر اسکندر شمرده . درست تر آنست که بگوئیم که این بخشها بازماندهٔ تعالیم آکادمی افلاطون است . وانگهی ، شش سالی که ارسطو در مقدونیه اقامت داشت ، همزمان با یکی از دوره‌های پر آشوب زندگی اسکندر بود که ناگزیر مجال فلسفه آموزی برایش کمتر گذاشته است . سال ۳۴۰ ، یعنی دو سال پس از ورود ارسطو به پلا ، اسکندر به شهر یاری مقدونیه رسیده است و دو سال بعد نیز در نبرد «کرونا» Chaerona سپاهیان مقدونی را رهبری کرد . در حدود سال ۳۳۶ یا ۳۳۵ نیز ارسطو پلارا را به عزم آتن ترک گفت ، هیچ ندانسته اند چرا .

رویه گرفته این دوره از زندگی ارسطو ، جز مدت اقامت در جزیرهٔ لسبوس ، که تأثیرش را بر کتاب «سیاست» یاد کردیم ، تاریک و ناشناخته مانده است .

xalvat.com

دوره سوم از سال ۳۳۵ قبل از میلاد تا مرگ ارسطو، ۳۲۲ قبل از میلاد . سیزده سال فروب زندگی ارسطو فقط به پژوهش و کاوش محض علمی در آتن و خالسیس گذشت . در پناه دوستی با آنتی پاتر ، جانشین اسکندر در زمان نبردهای خاوری او ، ارسطو «لوکه نوم» را در آتن برپا کرد و تا پایان اقامت خود در این شهر ، در گذرگاههای باغ آن قدم زد و فلسفه آموخت ، و از اینرو مکتب او در یونان به Peripatetio (راهروئی) یا هسائی نامبردار شد . ارسطو بیشتر رسالات مهم خود را در این دوره اصلاح کرد و به صورتی درآورد که امروزه در دست ماست ، زیرا دیگر با عقاید افلاطون ، بویژه با نظر او دربارهٔ «مثل» ، سخت به مخالفت برخاسته بود . آن بخشها از «سیاست» که به نقد و گاه رد نظریات افلاطون اختصاص دارد ، بیگمان در همین دوره نوشته شده است . هم در این دوره بود که ارسطو کتاب قوانین اساسی را مشتمل بر شرح سازمان حکومت ۱۵۸ کشور و مطالبات ارضی آنها در تکمیل «سیاست» نگاشت .^۱ نقد عقاید افلاطون ، خشم ورنجش آنتیان را برانگیخت ، اما دوستی با آنتی پاتر او را از گزند ایشان مصون می‌داشت تا آنکه سال ۳۲۲ خبهر مرگ اسکندر به یونان رسید و آنتی پاتر به بالین او فراخوانده شد . پس ارسطو از آتن گسریخت و به خانهٔ مادر خود در خالسیس پناه برد و در همان سال بسن شصت و یک سالگی مرد .

۱- نسخهٔ اصلی این کتاب که تاها را در سال ۳۲۵ قبل از میلاد نوشته شده از میان رفته است . در سال ۱۸۹۱ ، بخشی مربوط به قانون اساسی آنرا یک انگلیسی به نام «سرفردریک کنیون» Sir F. Kenyon پیدا کرد .



xalvat.com

فصل بندی «سیاست»

«سیاست» را ، از روی ترتیب قدیم آن ، به شش بخش یا method تقسیم می کنند: بخش نخست ، شامل کتاب اول ، درباره خانواده و تدبیر منزل و پندگی و مالکیت و زناشویی . بخش دوم ، شامل کتاب دوم ، در باره نظریات افلاطون و نقد حکومت های اسپارت و کورت و کارتاژ . بخش سوم ، شامل کتاب سوم ، درباره قانون اساسی و مسائل مربوط به آن . بخش چهارم ، شامل کتاب های چهارم و پنجم درباره انواع گوناگون دموکراسی ، الیگارشسی ، جمهوری یا حکومت حد وسط میان این دو ، و علل انقلابات در حکومتها . بخش پنجم ، شامل کتاب ششم ، درباره روش تشکیل دموکراسیها ، الیگارشها ، و روش پایدار داشتن آنها ، بخش ششم ، شامل کتاب های هفتم و هشتم ، در باره حکومت کمال مطلوب .

بررسی دقیق کتاب «سیاست» نشان می دهد که همواری و پیوستگی لازم در مطالب آن وجود ندارد؛ گویی کتاب از گفتارهای گوناگونی فراهم آمده که قصد نویسنده گرد آوردن آنها در یک مجموعه نبوده است . از اینرو مطالب مکرر در بخش های سیاست بسیار دیده می شود؛ نویسنده پس از آنکه موضوعی را طرح می کند یکبار ، به شیوه داستانیهای «مثنوی» ، نکتۀ دیگری را پیش می کشد و رشته بحث را می گسلد . چنین روشی اگر در شعر پسندیده باشد در یک کتاب جدی و تحقیقی مطلوب نیست . در چند جا ارسطو گفتگو درباره نکاتی را وعده می دهد ، اما در دنباله کتاب آنرا وفا نمی کند .

این عیبها ، احتمال تصرف کسانی جز خود ارسطو در گرد آوردن بخش های «سیاست» ، مایه آن شده است که مترجمان حرمت ترتیب قدیم مطالب کتاب را نگاه ندارند و خود روشهای تازه ای در پیوستن آنها پیش نهادند .

در ترتیب قدیم چنانکه دیده می شود ، «سیاست» پس از بیان سازمان جامعه در بخش (method) نخست ، بپدرنگ به نقد عقاید افلاطون و قوانین اساسی برخی از کشورها می پردازد و آنکاه در بخش های سوم و چهارم و پنجم رشته سخن را از سر می گیرد و اصول جامعه سیاسی و انواع حکومتها را می شناساند . نظم منطقی در چنین رساله ای ایجاد می کند که نخست از اصول کلی وساده سیاست گفتگو شود و سپس اندک اندک کلیت وسادگی ، جای خود را به خصوصیت و پیچیدگی بدهد . به عبارت دیگر گفتگو از سیاست نظری باید



چهارده

سیاست

مقدم بر بحث دربارهٔ سیاست عملی باشد. از اینرو انگیزه خواهیم که بخشهای «سیاست» را به شیوهٔ درست و روشنی از پی یکدیگر آوریم باید نقد عقاید افلاطون و سازمان حکومت‌های اسپارت و کورت و کارتاژ را به پایان کتاب واگذاریم.

xalvat.com

در بارهٔ چند اصطلاح در «سیاست» و ترجمهٔ آنها

«سیاست» پر از واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی خاص یونان کهن است. کسی که بخواهد در ترجمهٔ «سیاست» معانی اصلی این واژه‌ها و اصطلاحات را در نظر گیرد، خود را در هر زبان با مشکلات فراوانی روبرو می‌بیند. مثلاً جملهٔ ساده و معروف «انسان مدنی‌الطابع است» در اصل کتاب چنین است: «انسان به حکم physis، موجودی است که برای زندگی در polis آفریده شده». آنچه آنکه مشخصان زبان یونانی می‌گویند، physis در یونانی معنایی وسیع‌تر از منش و طبع یا طبیعت دارد و در مورد مراحل رشد هر چیز از آغاز تا پایان زندگی آن بکار می‌رود. معنای polis نیز در پایین شرح داده خواهد شد.

از اینرو مترجم حاضر بهتر آن دید که اصطلاحات خاص «سیاست» را تاجایی که می‌تواند به نزدیکترین معادل‌های پارسی برگرداند و در عوض با رجوع به منابع معتبر، معانی خاص چند تایی آنها را در این بخش یادآور شود: شهر (polis) - مفهوم شهر با polis یونانی تفاوت آشکار دارد. شهر، به معنای جایگاه زیست مردمان، را در یونانی asty می‌نامیدند. polis در آغاز قلعه‌ای بود که در پای asty ساخته می‌شد، اما مفهوم آن تغییر یافت و به معنای جامعهٔ منظم سیاسی به کار رفت. برخی از محققان می‌گویند که واژهٔ polis در اسناد «آتن»، به خصوص به معنای جامعهٔ سیاسی یک کشور در ارتباط با کشورهای دیگر، و یا به عبارت بهتر، به معنای «شخصیت بین‌المللی» کشور آمده و در برابر آن واژهٔ «دموس» demos (ریشهٔ «دموکراسی») بر مجموعهٔ سازمان داخلی یک کشور اطلاق می‌شده است. در بارهٔ واژهٔ «دموس» نیز باید توضیحی داد. «دموس» در اصطلاح آتنی، به معنای جمع روستائیان بوده و از اینرو هر واحد روستایی را در آتن demoi و ساکنان آنرا demotai می‌نامیدند. در سدهٔ پنجم قبل از میلاد تغییری در معنای «دموس» پدید آمد و



پانزده

پیشگفتار

xalvat.com

این واژه بر اجتماع همه مردم آتن اطلاق شد که برای اجرای کارهای حکومت گرد هم می آمدند و کنکاش می کردند. در این معنی، دیموس، روستائیان و شهریان هر دو را در بر می گرفت و همچنانکه گفتیم در برابر polis بکار می رفت. در سال ۵۰۹ قبل از میلاد، بر اثر اصلاحات و کلیستن، قانونگذار آتنی، اداره جامعه آتن به دست روستائیان افتاد و از آن پس حکومت آتن را «دمکراسیا» demokratia نامیدند، یعنی حکومت روستائیان. این معنی نیز اندک اندک گسترش یافت تا آنکه «دمکراسی» اسم عام شد برای حکومتیانی که به دست همه مردم گردانده شود.

شهروند (polites) - از میان معادلهای پارسی که در این ترجمه بکار رفته فقط واژه شهرونده تازگی دارد. مترجم این واژه را در برابر polites یونانی و citizen و citoyen انگلیسی و فرانسه اقتباس کرده است. تا آنجا که دیده شده، در کتابهای ما این واژه را به «شهرداری» برگردانده اند که ظاهراً ترجمه لغوی همان «مواطن» عربی است. اما معنای مشارکت، که از «هم» در «شهرداری» و از مصدر مفاعله «واژه» «مواطن» دانسته می شوند، بهیچ وجه لازم اصل یونانی polites یا معادلهای فرانسه و انگلیسی آن نیست. پسوندهای «es» و «zein» در هر سه این واژه ها معنای بستگی می دهد و به گمان مترجم هیچ پسوندی چون «وند» در پارسی برافاده آن توانایی ندارد. از این گذشته، ارسطو در تعریف polites اصول وضع فرد را از لحاظ ارتباطش با شهر در نظر دارد، نه با همانندانش. از این رو در انتخاب هر معادل دیگری برای این واژه باید معنای رابطه فرد را با شهر مقدم بر معانی دیگر در نظر داشت. واژه «شهری» چندان از مقصود دور نیست، اما چون از برای متضاد «روستایی» بکار می رود، معنی را آشفته می کند.

جمهوری (politeia) - از مشتقات مهم واژه polis، اصطلاح Politeia است که در یونان کهن به معنای «قانون اساسی» یا «نوع حکومت» بوده، اما ارسطو آنرا به معنای متفاوت از این دو و درباره حکومت کمال مطلوب خویش بکار برده است. ارسطو حکومتها را به دو نوع خوب و بد بخش می کند و معتقد است که حکومتهای بد بر اثر مسخ حکومتهای خوب پدید می آید. «پولی تیا»، یا حکومت کمال مطلوب ارسطو، که در آن طبقه متوسط فرمان می راند، چون تباهی پذیرد به دمکراسی مبدل می شود.

مترجمان فرانسوی با در نظر گرفتن این معنی، politeia را به république یا جمهوری ترجمه کرده اند و به گمان من این واژه معادل بهتری

۱- در انگلیسی، منشأ این واژه مجهول مانده است.



شأنزده

سیاست

از قانون اساسی، و نوع حکومت است که با توجه به روح بحث ارسطو درباره آن، هیچ معنای روشنی را نمی‌رساند. فرمانروایان (dikastai) - مفهومی که یونانیان کهن از واژه dikē (حق یا عدل) داشتند با مفهوم امروزی حق فرق داشت. در آتن اجرای حق یا عدل بگردن دادگاههایی بود که dikastrion نامیده می‌شد؛ صفت ممتاز این دادگاهها اختیارات مطلق و حاکمیت آنها بود، زیرا آنها در واقع حق و عدل را با نگرانی که مردم درمی‌یافتند و می‌پسندیدند در جامعه استوار می‌داشتند و چنین وظیفه‌ای ایجاد می‌کرد که دست دادرسان در تفسیر و اجرای قانون باز باشد. بدینسان دادگاههای آتن بیشتر به واقفیت امور نظر داشتند تا به روح یا نص قوانین؛ و از این گذشته دارای قوه اجرائیه بودند و از این نظر هیچ شباهتی میان آنها و دادگاههای امروزی نمی‌توان یافت.

در مطالعه سیاست باید این وضع خاص دادگاهها و دادرسان یونان را به یاد داشت و اصول انضباط قوای دموکراتیک و را یکسره فراموش کرد و گرنه بسیاری از نظریات ارسطو درباره قوای سه‌گانه کشورها نامفهوم به نظر خواهد آمد. مترجم با توجه به این نکات واژه «دادرس» را در برابر juge بکار برده اما magistrat را به فرمانروا ترجمه کرده است، زیرا ارسطو در کتاب هشتم، صفت ممتاز اینگونه دادرسان را فرمانروایی و نظارت بر کارهای مملکتی می‌داند.

xalvat.com

نقد «سیاست»

«سیاست» نه مهمترین کتاب است و نه بهترین نخستین کوشش فکری انسان برای حل مسائل سیاسی. ارسطو را در تاریخ فرهنگ جهانی، بنیاد گزار منطق می‌شناسند و از میان نوشته‌های او اگر یکی هنوز سلطه خود را بر اندیشه آدمی نگه داشته، همان رساله «منطق» اوست.

در زمینه سیاست، پیش از ارسطو در عصر «پریکلس» یا روزگار زرین تاریخ یونان (۴۲۹-۴۹۰ قبل از میلاد) و زمان رونق دموکراسی آتن و سسیلی، فیلسوفان و کشورداران، بنیاد اجتماع آدمیزادگان و سود و زیان هر یک از شیوه‌های گوناگون حکومت را باز نموده بودند. هر چه شرکت آموده‌های مردم در اداره حکومت بیشتر می‌شد، علاقه به پژوهشهای سیاسی در یونان فزونی می‌یافت. سوفسطائیان در مرحله اوج این علاقه پدید آمدند و سیاست را به



پیشگفتار

هفده

گونه سرگرمی ساده روزانه‌ای در آوردند. تربیت سیاسی در مکتب ایشان موضوعات گوناگونی چون اقتصاد و پرورش کودک و مردم شناسی و فن جنگ را در بر می‌گرفت.

هدف سیاست در نظر سوفسطائیان پرورش افرادی بود که با گفتار و کردار خود در کارهای مملکتی نفوذی شگرف داشته باشند. سقراط، و پس از او افلاطون، سیاست را بر پایه اخلاقیات استوار کردند. به نظر سقراط، دانش سیاسی باید مقدم بر هر چیز، مردم را با وظایف اخلاقی خود آشنا سازد و افلاطون نیز در جمهوریت بهترین حکومتها را از دیدگاه اخلاقیات وصف می‌کند. همچنانکه دیده می‌شود، همه این فیلسوفان سیاست را در آثار خود با مباحث دیگر علوم اجتماعی می‌آمیختند و این نکته، در سافت نظریات جداگانه ایشان را درباره بهترین روش حکومت دشوار می‌کرد. در اوضاع و احوال خاص جامعه یونان تا زمان رواقیان، فیلسوفان یونانی از این روش‌گزیری نداشتند، زیرا مفهوم «پولیس»^۱ برای یونانیان آمیخته‌ای از سیاست و مذهب بود و از اینرو تجزیه مسائل اجتماعی از اخلاقی در نظر ایشان ناممکن می‌نمود. ارسطو در «سیاست» منطق و ما بعد الطبیعه را که چاشنی نوشته‌های پیشینیان درباره حکومت بود، یکسره کنار گذاشت و حدود یک بحث سیاسی را روشن کرد. درباره او بحق باید گفت که سیاست را از آسمان به زمین آورد. در «سیاست» بجای آنکه از مدینه فاضله داستان سراید، سازمان حکومتهای آتن و اسپارت و کارتاژ را وصف می‌کند. ارسطو هر پدیده سیاسی را در جوامع انسانی آفریده تغییرات اجتماعی می‌داند، از اینرو پدیده او، بدعت‌های سیاسی در شهرهای یونان، پیش از آنکه پسندیده یا نکوهیده باشد، معلول برخورد منافع و کشمکش توانگران و تهیدستان است.

فیلسوفان یونانی تا یک قرن پیش از ارسطو، حکومت را سازمانی می‌دانستند که بر پایه پیمان و قرارداد میان افراد پدید آمده است و از اینرو هست و نیست آن، هر دو را محتمل می‌شمردند. برخی از ایشان استدلال می‌کردند که حکومت چون نظم طبیعی (physis) را در هم شکسته همان بهتر که برچیده شود. این نظریات، که نطفه عقاید مریوطه به حقوق طبیعی و فردیت در تاریخ سیاست است، جزئی از سنن اجتماعی یونان بشمار می‌آمد و مخالفت با آنها در حکم تعرض به اساس زندگی ملی بود. ارسطو با این سنت به ستیز برخاست و نظریه طبیعی بودن اجتماع انسانی را پیش آورد که پیش از او افلاطون نیز به آن اشاره‌ای کرده بود. این نظریه درست مخالف آنچه

۱- رجوع کنید به صفحه چهارده.



سیاست xalvat.com هجده

بود که قرنها آموزگاران یونانی به شاگردان خود می‌آموختند، زیرا بجای آنکه حکومت را حاصل بند و بست‌های زودگذر میان افراد پندارد، پدیدآورده کوشش پنهانی سرشت آدمی به زندگی باهمانندان خود می‌دانست.

بحث ارسطو دربارهٔ بندگی بیش از سایر بخشهای «سیاست» در تاریخ سیاسی شهرت دارد و مایهٔ آن شده است که گروهی از منتقدان او را دشمن آزادی پشردانند. اما برای کسی که نیک و بد عقاید گذشتگان را در متن تاریخی آنها داوری می‌کند، دفاع ارسطو از بردگی و توجیه او از آن چندان شگفت‌آور نیست. بردگی در جامعهٔ یونان کهن ریشه‌های عمیق داشت. بررسی کوتاه علل بردگی اهمیت و دامنهٔ آنرا در اجتماع یونان آشکار می‌سازد. این علل عبارت بود از:

- ۱- تبار. هر کس از پدر و مادر بنده زاده می‌شد، بنده بشمار می‌آمد. همهٔ چنین کسانی در یونان کهن کم بود، زیرا بنده‌داران صرفه را در خرید بنده می‌دیدند نه در پرورش او. اجازهٔ زناشویی زن و مرد بنده، پاداشی بود که خدایگان به ایشان می‌داد.
 - ۲- خرید و فروش فرزندان آزاده. پدران و مادران آزاده گاه فرزندان خود را می‌فروختند و با سزاه می‌گذاشتند. چنین کودکانی بنده شناخته می‌شدند. همچنین تا زمان دسولون، مدیونی که از عهدهٔ پرداخت دین خود بر نمی‌آمد، بندهٔ دائم خود می‌شد.
 - ۳- اسارت در جنگ. کسانی که در جنگها گرفتار فاتح می‌شدند، خواه یونانی بودند و خواه آسیائی یا تراکائی، به بندگی او درمی‌آمدند.
 - ۴- راهزنی و دزدیدن کودکان. راهزنان دریائی گاه بر کرانه‌های یونان هجوم می‌آوردند، کودکان را می‌دزدیدند و سپس راه و رسم بندگی به ایشان می‌آموختند. چه بسا که بزرگتران نیز به جنگه این راهزنان گرفتار می‌شدند و بدینگونه هیچکس در یونان از خطر بندگی در امان نبود.
 - ۵- بازرگانی. خرید و فروش بنده در یونان یکی از رشته‌های مهم بازرگانی بود. بندگان را بیشتر از سوریه و «پونتوس» Pontus ولیدیه و گالاسی Galatia و مصر و حبشه و ایتالیا می‌آوردند. ازمیان بیگانگان، بندگان آسیائی بیش از همه قیمت داشتند، زیرا فرمانبردارتر و رامتر بودند و هنرهای زیبا را خوب می‌دانستند. بندگان یونانی بیشتر حرمت داشتند و برای شاهان و شاهزادگان کشورهای آسیائی فرستاده می‌شدند.
- بنده در همهٔ این احوال جزئی از اموال خدایگان بشمار می‌آمد و قابل



نوزده

پیشگفتار

خرید و فروش و رهن و اجاره بود. اما در عین حال شخصیت انسانی او یکسره فراموش نمی‌شده، و بنده حق داشت که در آئینهای مذهبی و انجمنهای آزادگان راه یابد.

بدین سان دیده می‌شود که مخالفت با بندگی و خواستن الفای آن در یونان کهن کاری آسان نبود. تنها کاری که از دست فیلسوفان و اندیشمندان پیشرو برمی‌آمده، کوشش در راه افزایش حقوق بنده و توسعه امکان آزادی او بود و در این رهگذر، ارسطو را باید از آزاداندیشترین فیلسوفان یونان برشمرد. ارسطو قبلاً در کتاب «اخلاقیات» Ethics خود، بنده را قبل از هر چیز موجودی انسانی و دوست خدایان می‌شمارد و احترام حقوق او را به این عنوان خواستار است.

در «سیاست» ارسطو اندرزمی‌دهد که بنده را باید به آزادی نوید داد و امیدوار کرد. اما دلایلی که ارسطو در طلبی بودن بندگی می‌آورد بهیچ‌و مقنع نیست و عقایدش نیز درباره لزوم تسلط یونانیان به مردم بربر نتیجه تعسبات ملی اوست. فضیلت آشکاری که ارسطو بر پیشینیان خود در دفاع از بندگی دارد آنست که آنان بنده را از برای سود مادیش به اجتماع لازم می‌دانستند، اما ارسطو استدلال خود را بیشتر بر پایه اخلاقیات می‌گذارد و برتری هوش و دانش خدایگان را بهانه سروری او بر بنده می‌داند.

پیداست که امروزه نه هیچ دولتی باید عقاید ارسطو را در «سیاست» راه و آئین درست کشورداری بداند و نه هیچ ملتی اندرزهای او را مایه دستگیری. اما با این وصف بسیاری از مطالب «سیاست»، خاصه بحث آن درباره انگیزه‌های انقلابات و چاره‌جویی از آنها، و همچنین درباره نیرنگهایی که حکومت‌های ستمگر برای پایداری خویش بکار می‌بندند، هنوز چیزی از تازگی خود را از دست نداده است. اهمیت کتاب «سیاست» ازدونگته بر می‌خیزد؛ یکی آنکه روح فلسفه پیشرو زمان ارسطو را منعکس می‌کند و دیگر آنکه سرچشمه اصلی اندیشه‌هایی است که تا پایان قرون وسطی فلسفه سیاسی غرب را سیراب می‌کرد و در مراحل واپسین آن عصر، مانع گسترش اندیشه‌های آزاد و نو و دستیار صاحبان قدرت و تارک اندیشان گشت. رستاخیز مثنوی قرون پانزدهم و شانزدهم در اروپا افکار سیاسی ارسطو را با بساط و اما نده روزگار کهن بدور ریخت.

xalvat.com

۱ - رجوع کنید به صفحه یازده.



xalvat.com

ترتیب و خلاصه مطالب کتاب «سیاست»

کتاب اول

تعریف و سازمان حکومت

حکومت عالیترین نوع اجتماع و هدف آن خیرترین است. تفاوت حکومت با انواع دیگر اجتماع، حکومت ازدهکنده‌ها و دهکنده از خانواده‌ها پدید آمده است. خانواده اجزای آن، هدف غائی حکومت، موهبت فطرت در آدمیزاد، طبیعی بودن حکومت را ثابت می‌کند. از نظر نظم طبیعی، حکومت مقدم بر خانواده و فرد است.

تدبیر منزل، بنده، خواسته (مال)، کودکان و زنان

بحثی درباره خانواده، بندگی چیست؟ بندگی طبیعی است، فرمانروایی و فرمانبرداری در هر يك از مظاهر طبیعت وجود دارد. بندگان طبیعی و غیر طبیعی، بنده طبیعی از پیروی خدایگان سود می‌برد. فرمانروایی بر بندگان با فرمانروایی بر آزادگان فرق دارد. خواسته و راههای بدست آوردن آن، روش مصنوعی بدست آوردن خواسته، اختراع پول، فرق میان روشهای طبیعی و غیر طبیعی بدست آوردن خواسته، روابط شوی بازن، و پدر با فرزندان، اداره خسانبواده مستلزم دقت بیشتری است. آزادگان بر بندگان فضیلت دارند. بندگان فقط می‌توانند دارای نوع پست فضائل باشند. سقراط بر خطا بود که تقسیم فضیلت را به انواع آن انکار می‌کرد. باید بندگان را فضیلت آموخت. تربیت آزادگان.



ترتیب و ... بیست و یک

کتاب دوم xalvat.com

حکومت‌های کمال مطلوب - افلاطون و فالثاس و هیپودام

برای شناخت حکومت کمال مطلوب باید بهترین حکومت‌های تاریخ و بهترین فرضیات را درباره حکومت بررسی کرد. از میان صاحب‌نظران، افلاطون درباره مسائل اصولی گفتگو کرده است، وی خواهان انای خانواده و مالکیت است. نقد عقاید افلاطون، اختلاف مناصب و مقامات قانونی طبیعی است. انای مالکیت موجب ناخرسندی می‌شود. اشتراک زنان و کودکان مهر را نابود می‌کند. ایرادات دیگر، تفصیل موضوع، فواید مالکیت خصوصی، نقد جمهوریت، عقاید افلاطون تحقق‌ناپذیر است.

درباره کتاب «قوانین» افلاطون، در «قوانین» از اشتراک چیزها سخنی بمیان نمی‌آید، اما حکومتی که در آن پیش‌بینی شده دامن‌های بیرون از اندازه دارد. افلاطون فراموش کرده است که درباره روابط خارجی و حدود مالکیت و میزان افزایش جمعیت و فرق میان فرمانروا و فرمانبردار سخن گوید. نقد حکومت کمال مطلوب او.

فالثاس کلسدونی و نقد عقاید او، چاره‌هایی که فالثاس برای اصلاح حکومت پیش می‌نهد توانگران را خشمگین می‌کند و تهیدستان را نیز خرسند نمی‌گرداند.

هیپودام سائسی بود که فقط به تناسب حکومت توجه داشت. در حکومت کمال مطلوب او سه طبقه و سه نوع قانون وجود دارد. سازمان قضائی حکومت هیپودام، نقد سازمان طبقاتی و نظم قضائی جامعه او. درباره قانون مربوط به اکتشافات، لزوم تغییر قوانین کهنه و منسوخ.

بهترین حکومت‌های موجود:

اسپارت و کرت و کارتاژ

اسپارتيان نمی‌توانند پندگان خود را اداره کنند. زنا نشان بسیار متنفر و تحصیل پرستانند. نقد روش مالکیت در اسپارت. نقد «افور» و «سنا» سلطنت، خوانهای همگانی، و در یاداری.

سازمان حکومت شهرهای کرت بسیار شبیه حکومت اسپارت است. خوانهای همگانی در کرت بهتر گردانده می‌شود. نقد قانون اساسی کرت و علت بقای شهرهای آن.



پیست ویدی

سیاست

ستایش حکومت کارناژ. شباهت آن با حکومت اسپارت. اهمیت ثروت. خرید و فروش مناسب در کارناژ. عیبهای حکومت آن. سولون بهترین قانون گزاران بود. در باره فیلاکوس، خارونداس، فالئاس، دراکو(س)، پیتاکوس، آندرودام.

کتاب سوم

شهروند و فضائل شهروند

تعریف شهروند. حقوق و اختیارات او. نمی توان تعریفی یافت که در باره همه شهروندان مصداق باشد. نقد تعاریفی که تا کنون شده است. شهروند کسی است که دارای اختیارات سیاسی باشد. تقسیم اختیارات سیاسی در حکومت.

شهروند خوب کسی است که به حکومت خود خدمت کند، خواه حکومت او بد باشد و خواه خوب. شهروند باید فرمانروایی و فرمانبرداری هر دو را بداند. شهروندی در حکومت قانونی باید بر تربیت اخلاقی استوار باشد. در بهترین حکومتها، صنعتگران نباید شهروندان باشند. دموکراسی های افراطی و برخی از الیگارشیها از این نکته غافل اند، اماگزیری از آن ندارند.

طبقه بندی حکومتها؛ دموکراسی و الیگارشی؛

حکومت پادشاهی (سلطنت)

هدفهای حکومت. فرق حکومت سیاسی با حکومت پر بندگان. حکومتهای خوب عبارتند از: حکومت پادشاهی، آریستوکراسی، جمهوری. حکومتهای بد عبارتند از: حکومت تورانی (ستمگر)، الیگارشی، دموکراسی افراطی. دموکراسی، حکومت تهیدستان و الیگارشی، حکومت توانگران است. اصل تساوی در دموکراسی و الیگارشی. این هر دو از هدف راستین حکومت یعنی فضیلت غافل اند. درباره داد گیری. اکثریت و اقلیت در اجتماع. مبنای تقسیم اختیارات. حقانیت دعوی آزادگان و والاتباران و هوشمندان. هیچیک از اینان نباید بر دیگران حکومت کنند. حکومت باید از افرادی فراهم آید که در ثروت و تبار و نیروی هوش و اندیشه و اخلاق بر ابرس باشند. در بسازه د استراسیسم.



بیست و سه

ترتیب و ...

انواع حکومت پادشاهی

پنج نوع حکومت پادشاهی، حکومت پادشاهی برای برآوردن نیازهای اجتماع بدوی پدید آمد. اصل توارث در حکومت پادشاهی، فرد چه بسا مغلوب سوداهای خویش می‌شود و از آن گذشته، نمی‌تواند همه وظائف حکومت را انجام دهد، تنها موردی که شهریار خودکام می‌تواند دادگر باشد. درباره حکومت جمهوری.

xalvat.com

کتاب چهارم

انواع نمونه‌های اصلی حکومت [قانون اساسی]

دانش سیاسی باید درباره حکومت کمال مطلوب و بهترین حکومت ممکن در شرایط خاص و سرانجام درباره حکومت بد پژوهش کند. سیاستمدار خوب می‌تواند بدترین قوانین اساسی را به بهترین آنها مبدل سازد.

درباره دموکراسی والیکارشی، مایه تشخیص دو نوع حکومت از یکدیگر، چهار نوع دموکراسی، بدترین آنها، که دموکراسی افراطی است، خواست مردم را جایگزین قانون می‌کند، چهار نوع والیکارشی، بدترین نوع حکومت والیکارشی آنست که مناصب را موروثی کند و فرمانروایان را تابع هیچ نظامی نسازد، وصف شرایطی که چنین حکومتی را پدید می‌آورد.

آریستوکراسی، به معنای محدود آن، فقط دارای یک نوع است که در آن بهترین افراد، شهروندانند.

جمهوری از سازش دموکراسی والیکارشی پدید می‌آید و بیشتر به دموکراسی میل دارد، بسیاری از آریستوکراسیها، در واقع امر، جمهوری‌اند، قانون اساسی لاکونی نمونه سازش درست و کاملاً پخته میان دموکراسی والیکارشی است، حکومت توراتی و سه نوع آن.

بهترین حکومت هم از نظر کلی و هم در شرایط ویژه

برای شهر عادی، بهترین حکومت آنست که بدست طبقه متوسط اداره شود. فایده‌های حکومت طبقه متوسط، وضع طبقه متوسط در کشورهای بزرگ و کوچک، هیچ حکومتی نمی‌تواند از پشتیبانی طبقه متوسط، که نیرومندترین طبقات است، بی‌نیاز باشد. راههای نگهداری حکومت.

قانونگذار باید به سه مسأله توجه کند: ۱- قوه مقننه که در هر حکومتی



بیست و چهار

سیاست

به یک نوع است. ۲- قوه مجریه و انواع مناسب در آن. ۳- دادگاهها، و انواع و شایستگی و آئین دادرسی در آنها.

xalvat.com

کتاب پنجم

در باره انقلابات و انگیزه‌های آنها

حکومت‌های معمولی بر پایه تصورات نادرست درباره دادگری برپا شده و از اینرو مایه شورش و ناخرسندی می‌شوند. هدفهای انقلاب، دمکراسی و الیگارش‌ی مردم و عیب‌هایی دارند که به انقلاب می‌انجامند، اما دمکراسی استوارتر از الیگارش‌ی است. باید میان فکری که آتش انقلاب را برمی‌افروزد و عوامل تحریک‌آمیزی که به انقلاب می‌انجامد، فرق گذاشت. از این گونه عوامل باید برتری جوئی یکی از طبقات و کشمکش میان تهیدستان و توانگران به علت نبودن طبقه متوسط را نام برد. چگونگی به انجام رساندن انقلابات.

انقلابات در حکومت‌های ویژه و راه جلوگیری از آنها

انگیزه‌های انقلابات در دمکراسیها و الیگارش‌یها و آریستوکراسیها و جمهوریها. راههای جلوگیری از انقلابات. شرایط فرمانروائی و صفات فرمانروایان. انگیزه‌های انقلاب و راههای جلوگیری از آنها در حکومت پادشاهی باید جداگانه بررسی کرد. فرق میان حکومت توراتی و حکومت پادشاهی. همانندی عیبهای حکومت پادشاهی با آریستوکراسی، میسائروی بهترین راه نگهداری حکومت پادشاهی است. حکومت توراتی را می‌توان با تظاهر به میسائروی در خرج و ادب و نرم‌خوئی در رفتار با مردم و حفظ تعادل میان توانگران و تهیدستان پایدار داشت.

اما حکومت‌های توراتی گذشته همه ناپایدار بوده‌اند.

بیان نقش بحث افلاطون در «جمهوریت» درباره انقلابات.

کتاب ششم

در باره سازمان درست دمکراسیها و الیگارش‌یها

دمکراسیها با یکدیگر از لحاظ خصال شهروندان و چگونگی ترکیب خصائص دمکراسی فرق دارند. آزادی، نخستین آئین دمکراسی است. حاصل آزادی آنست که اکثریت فرمان می‌راند، و هر کس به دلخواه خود زیست می‌کند.



ترتیب و ...

پوست و پنج

از این خصائص، می‌توان مشخصات دیگر دموکراسی را باز شناخت. در الیگارشی، نه اکثریت مردم، بلکه توانگران حکومت می‌کنند. اگر فرمانروا خودکام و برتر از قانون باشد، همه این اصول بیدادگرانه است. عده افراد و ثروت ایشان باید هر دو در حکومت مؤثر باشد. چهار نوع دموکراسی: دموکراسی کشاورزی، که بهتر از همه است؛ دموکراسی شبانی، دموکراسی بازرگانی، دموکراسی افراطی. نگهداری دموکراسی دشوارتر از بنیاد کردن آنست. برای نگهداری دموکراسی، تهیدستان را باید از قدرت توانگران باز داشت؛ درآمد مردم را نباید با وضع مالیات کم کرد. الیگارشی‌ها را چگونه می‌توان بر پا داشت؟ اهمیت ترتیبات سپاهی. افراد نباید در سازمانهای سپاهی نیروی فراوان یا بند، رسیدن به مقام فرمانروائی نیاید دشوار باشد. هر منصب باید مایه کار و رنج گردد نه سرچشمه سود. هم در دموکراسی و هم در الیگارشی، ترتیب مناسب دارای اهمیت بسیار است. برخی از مناصب در همه حکومتها لازم‌اند، و برخی مخصوص به پاره‌ای از انواع حکومت.

xalvat.com

کتاب هفتم

کمال مطلوب مردمان و حکومتها

پیش از ساختن بهترین حکومتها، باید دانست که دلپذیرترین نوع زندگی برای حکومتها و مردمان کدامست. شادی راستین از دانش و هوش برمی‌خیزد، نه از خواسته و دارائی. اما برای بهزیستن، داشتن ابزارهای مادی نیز لازم است. آیا فضیلت‌ترین در پندار است یا در کردار؟

تصویر حکومت کمال مطلوب

درباره جمعیت و سرزمین. جای شهر باید چگونه باشد؟ دسترسی به دریا از نظر نظامی و اقتصادی مهم است. خصلت شهروندان باید معدل خوی آسیائیان و نژادهای شمالی باشد. ساختمان روحی یونانیان. اعضای حکومت را باید از خادمان حکومت تشخیص داد. در هر کشور باید کسانی باشند که بتوانند خوراک فراهم کنند و هنرنمایی بداند و سلاح بر کف گیرند و دین را تیمار دارند و کارهای سیاسی و دادرسی را انجام دهند.



بیست و شش

سیاست

از این طبقات، کدامها باید شهروند باشند و کدامها نباید. دارائی باید خاص شهروندان باشد. امتیاز فرمانروایان از فرمانبرداران براساس پیشه آنان نکته تازه‌ای نیست و در مصر هنوز مرسوم است و خوانندگانی همگانی در کرت و ایتالیا نیز نشان می‌دهد که در این کشورها نیز زمانی روا بوده است.

در باره مالکیت بر زمین، فرق میان زمینهای دولتی و زمینهای خصوصی، جای شهر باید با توجه به بهداشت همگانی و ملاحظات سیاسی و نیازهای نقلی معین شود. چگونگی باره و ساختمانهای شهر.

شیوه آموزش و پرورش در حکومت کمال مطلوب،

هدف و مراحل آن.

خوی و سرشت مردم را باید با توجه به نوع شادی مطلوب ایشان معین کرد. در اخلاقیات گفته شد که شادی عبارتست از تحقق کامل فضیلت. چگونه می‌توان بر فضیلت دست یافت. شهروندان را باید چنان پرورد که در جوانی، فرمانبرداری بدانند و در پیری فرمانروائی بتوانند. فرمانروائی برترین و واپسین مقام انسانست.

دستگاه تربیتی هر کشور باید افراد نیک پرورد، چون فرمانروایان نیک همان افراد نیک‌اند. تفصیل موضوع. شیوه آموزش و پرورش باید از سیر طبیعی تحول انسان پیروی کند؛ نخست به ساختمان تن افراد پردازد، سپس در برآوردن امیال ایشان بکوشد و سرانجام هوش ایشان را پرورد.

در باره بهترین سن زناشویی. ساختمان بدنی پدر و مادر. تربیت روحی و بدنی کودکان و جوانان.

xalvat.com

کتاب هشتم

ادامه آموزش و پرورش. موسیقی و ورزش

آموزش و پرورش باید زیر نظر دولت انجام گیرد و برای همه افراد یکسان باشد. چه چیزها را باید آموخت؟ موسیقی را برای سرگرمی می‌آموزند، اما مقصود آن برتر از سرگرمی است. درباره هدف موسیقی و نگارگری ورشته‌های دیگر آموزش و پرورش.

ورزش، نخستین مرحله آموزش و پرورش است اما نباید مانند اسپارتمان



ترتیب و ...

پیست و هفتت

در پرورش هوش و اندیشهٔ کودک کوتاهی کرد. موسیقی را نباید فقط برای سرگرمی به کودک آموخت. موسیقی نوعی از پرورش اخلاقی است. با فرا گرفتن موسیقی، کودکان می‌توانند آهنگهای خوب را از بد پشیمانند. مقامهای گوناگون موسیقی را باید برای مقاصد گوناگون بکاربرد. برخی از مقامها فضیلت را در آدمی می‌پرورد، پاره‌ای شئونند را دلیری می‌آموزد یا در او شور و شوق برمی‌انگیزد. کودکان باید مقامهای اخلاقی را فراگیرند. مقامهای دیگر شایستهٔ خنیاگران است.

موسیقی «دوری» برای کودکان سودمند است. موسیقی «فریجی» زیان بسیار دارد، اما موسیقی «لیدی» نیز گاه برای کودکان سودمند است.

xalvat.com

ترجمهٔ کتاب حاضر با مقابلهٔ متون ذیل انجام گرفته است:

1. Aristotle's Politics, Translated by Benjamin Jowett, Oxford, Clarendon Press, 1908 .
2. Aristotle's Politics, Translated by Ernest Barker, Oxford, Clarendon Press, 1948.
3. Politique d'Aristotle, Présentée et annotée par Marcel Prélot, Presses Universitaires de France, 1950
۴. السياسة لارسطو طاليس، ترجمة احمد لطفى السيد، دارالكتب المصریه، قاهرة ۱۹۴۸.

xalvat.com

مترجم از همکاریهای بن‌دریغ و گرانیه‌های دوست فاضل و بسیر آقای مجید آرائی نژاد سیاست‌سازی فراوان دارد.

حمید عنایت